

## تفسیر علمی آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت در مورد طول زمانی خلقت زمین، طول زمانی

### خلقت کائنات و پاسخ به شبهه‌های مربوطه

حسین خانی<sup>۱</sup>، حسن خانی<sup>۲</sup> و فاطمه خانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دکترای زبان و ادبیات عرب، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، خیابان دانشگاه، شیروان، خراسان شمالی

کد پستی: ۹۴۶۱۷۰۰۰۰۰، تلفن: ۰۵۸۲-۴۲۲۳۴۵۴، [Hossein.Khani1318@gmail.com](mailto:Hossein.Khani1318@gmail.com)

<sup>۲</sup>دکترای مهندسی برق، عضو هیئت علمی دانشگاه مهندسی فناوری های نوین قوچان، خیابان امام رضا (ع)، قوچان، خراسان رضوی

کد پستی: ۹۴۷۱۷-۸۴۶۸۶، تلفن: ۰۵۱-۴۷۳۴۴۰۱، [Hassan.Khani@gmail.com](mailto:Hassan.Khani@gmail.com)

<sup>۳</sup>کارشناس زبان انگلیسی، آموزش و پرورش شهرستان کلات، کلات، خراسان رضوی

چکیده: در حال حاضر در فضای اینترنت، ایرادات زیادی توسط افراد ناآگاه یا مغرض به آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت در مورد خلقت زمین، هفت آسمان و آسمان دنیا وارد شده است. از آنجا که این مقاله در پاسخ به شبهات مطرح شده از سوی ناباوران به اسلام نگاشته شده است، لذا سعی شده است تا حد ممکن در نگارش آن از منابع اسلامی استفاده نگردد. در این مقاله، برای صحت‌گذاری بیشتر بر اعجاز و آسمانی بودن قرآن کریم به بررسی آیات یادشده پرداخته و به تمامی ایرادات مطرح شده پاسخ می‌دهیم. در همین رابطه و با توجه به معانی دیگر واژه‌ی عربی "ثم" به این نتیجه می‌رسیم که در بسیاری از آیه‌های قرآن این کلمه لزوماً بر ترتیب، تقدّم و تأخر دلالت نمی‌کند و نباید همواره به معنای سپس ترجمه گردد. با توجه به این نکته می‌توان گفت که یکی از مصادیق هفت آسمان در قرآن مجید، هفت لایه‌ی جوّ زمین می‌باشد. بر طبق آیات یاد شده و سایر آیات قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که بین عمر کره‌ی زمین و عمر کائنات نسبت ۲ به ۶ برقرار است که جدیدترین اندازه‌گیری‌های علمی، این مطلب را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هفت آسمان، جوّ زمین، طول آفرینش زمین، طول آفرینش کائنات و اعجاز قرآن.

Abstract: Currently, in internet space, numerous suspicions have been applied by some ignorant or spiteful people to verses 9 to 12 of chapter Fossilat regarding to the period of the earth creation, seven skies, and the sky of the universe. Therefore, in this paper, we investigate Allamah Tabatabaii's thoughts in Al-Mizan Commentary regarding to the aforementioned verses, and address all the suspicions related to them through using Allamah's opinion and other verses of Holy Quran. In this case and like Al-Mizan Commentary, it is concluded that Arabic word "ثم" (soumma) in some verses of the Noble Quran does not necessarily show the priority (lead or lag of events) and as a result, it should not be always translated as "then". Having this issue in mind and exploiting other verses of Quran, it can be concluded that unlike the Allamah's opinion, one of the meanings of the seven skies in Quran is the seven layers of the Earth atmosphere. Moreover, we demonstrate that based on the abovementioned verses and other verses of Quran, it can be said that the ratio between the age of the Earth and the age of the universe is 2 to 6, which is verified by the latest scientific measurements.

Keywords: Seven heavens (skies), earth atmosphere, the period of the earth creation, the period of the universe creation, and the miracle of Quran.

خلقت در قرآن به دو معنای پدیدآوردن (آفریدن) و دگرگون کردن بکار برده شده است. با این وجود در تفسیر المیزان بیشتر بر روی معنای اول یعنی پدیدآوردن تکیه شده است. در آیات ۱۴ سوره ی مؤمنون، ۶ سوره ی زمر، و ۶۷ سوره ی غافر، خلقت به معنای دگرگون ساختن ماهیت و ذات موجودات است. آیه ی ۷ سوره ی سجده نیز به صورت ضمنی به این معنی اشاره دارد زیرا خداوند می فرماید: "و (خدا) خلقت انسان را از گل آغاز نمود". از این آیه به این نتیجه مهم می رسیم که خلقت، مراحل مختلفی دارد و از این دیدگاه گاهی با پیدایش که ویژگی آنی دارد، متفاوت است زیرا بر طبق آیه ی یادشده می توان برایش آغازی پنداشت. بنابراین، از آنجا که خالقیت خداوند پایانی نداشته و در جریان است (یونس: ۴ و ۳۴، نمل: ۶۴، عنکبوت: ۱۹، بروج: ۱۳، یس: ۸۱) به این نتیجه می رسیم که وقتی خداوند از خلقت زمین در قرآن یاد می فرماید، منظورش تنها پیدایش زمین نمی باشد، بلکه زمین را پس از پیدایش آن به حال خود وانگذاشته و همواره آنرا از وضعی به وضع دیگر تغییر می دهد (رعد: ۴۱، انبیاء: ۴۴). بنابراین، خداوند کماکان در حال خلقت و تغییر دادن آن است. بهترین دلیل بر این ادعا آن است که خداوند برای خلقت زمین طول زمانی در نظر گرفته است و گرنه طبق آیات قرآن بین اراده و فعل خداوند هیچ فاصله ای وجود ندارد (بقره: ۱۱۷، نحل: ۴۰ و یس ۸۲).

همانطور که گفتیم طبق آیه ی ۷ سوره ی سجده، پیدایش با خلقت متفاوت است و تنها گام اول خلقت محسوب می شود؛ در نتیجه، خلقت زمین در جریان است زیرا جزیره هایی به روی آب پدید می آیند و جزیره هایی به زیر آب فرو می روند؛ حرکت پوسته ی زمین که آیه ی ۸۸ سوره ی نمل می تواند اشاره ای به آن باشد، به چین خوردگیهای زمین می افزاید یا از آن می کاهد؛ رودها تغییر مسیر می دهند؛ بر اثر زلزله دو کوه با هم یکی می شوند و دره ی بین آنها محو می شود؛ ستاره ی دنباله داری به زمین برخورد می کند و باعث از میان رفتن دایناسورها و انحراف محور زمین می گردد؛ آتشفشانی پدید می آید یا آتشفشانی خاموش شده و غیر فعال می گردد. قطبین مغناطیسی زمین هر ۵۳۰ هزار سال وارونه می گردد. فصلها از پس هم سپری می گردد و این چرخش فصول، دگرگونی های زیادی (خلقت) در زمین پدید می آورد (یونس: ۴ و ۳۴، نمل: ۶۴، عنکبوت: ۱۹، بروج: ۱۳)؛ حرکت زمین به دور خود روز به روز کاهش یافته و به دلیل کاهش سرعت وضعی و سرد شدن، در حال کوچک تر شدن است که این واقعیت علمی را می توان از آیه ی ۴۱ سوره ی رعد و آیه ی ۴۴ سوره ی انبیاء استنباط نمود.

خلقت در جهان نیز به دلایل یادشده در حال انجام است و متوقف نشده است. بدین گونه که ستاره ای می میرد و ستاره ای دیگر متولد می شود، دو کهکشان با هم برخورد می کنند. ستاره ی غول پیکری می میرد و به یک سیاه چاله تبدیل می گردد و دو سیاه چاله با هم ادغام می شوند. برهان عقلی نیز بر جریان داشتن خلقت دلالت می کند زیرا اگر تصور کنیم که خلقت زمین و جهان در زمان مشخصی به پایان رسیده،

دگرگونی‌های بعد از آن را نمی‌توانیم به خدا نسبت دهیم در حالی که او بسیار آفریننده (خلاق) است و هیچ کاری بدون اراده‌اش انجام نمی‌گیرد (انعام ۵۹، حدید: ۴).

## ۲. بررسی آیات قرآن در مورد طول زمانی خلقت زمین، هفت آسمان و آسمان دنیا

بنابر آنچه گفته شد و بر خلاف دیدگاه تفسیر المیزان، نتیجه می‌گیریم که وقتی خداوند در زمان پیامبر (ص) به طول خلقت زمین و جهان اشاره می‌فرماید، این طول زمانی نشان دهنده‌ی عمر زمین و عمر جهان از بدو به وجود آمدن آنها تا آن زمان یعنی زمان نزول قرآن بر قلب مبارک پیامبر اسلام (ص) می‌باشد.

حال به بررسی آیات قرآن در مورد خلقت زمین، هفت آسمان و آسمان دنیا (نزدیک‌تر) که در آیات ۹ تا

۱۲ سوره‌ی فصلت آمده است، می‌پردازیم.

﴿ قُلْ أَيُّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ إِندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾  
وَجَعَلَ فِيهَا رُوسِيٍّ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلْسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾  
ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾  
فَقَضَيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ  
وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

ترجمه:

بگو: آیا به راستی شما به کسی که زمین را در دو دوره (روز) آفریده کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ (حال آن که) او پروردگار جهانیان است (۹) و (خدا) در روی آن کوههایی ثابت و استوار پدید آورد، و به آن خیر و برکت بخشید و خوراکی‌های آنرا یکسان و به اندازه در چهار هنگام (بهار، تابستان، پاییز و زمستان) برای خواهندگان مقدر فرمود (۱۰) همچنین به آسمان پرداخت که به صورت دود بود، پس به آن و به زمین فرمود: خواسته یا ناخواسته بیایید، آن دو (به زبان حال) گفتند: (از جمله‌ی) فرمانبرداران آمدیم (۱۱) پس آنها را در مدت دو دوره (روز) هفت آسمان ساخت و در هر آسمانی کار آنرا وحی کرد و آسمان دنیا را با چراغهایی (از ستارگان) آراستیم و آنرا حفظ کردیم، این است اندازه‌گیری شکست ناپذیر بسیار دانا. (۱۲)

در زبان عربی، واژه‌ی "یوم" معانی متنوعی از قبیل روز، دوره، مرحله، دوران و ... دارد و در خود قرآن هم این واژه برای اشاره به یک روز، ۱۰۰۰ سال (حج: ۴۷، سجده: ۵) و ۵۰۰۰۰ سال (معارج: ۴) استفاده شده است. در این مقاله، برای سهولت، واژه‌ی "یوم" را زین پس به معنی "روز" ترجمه می‌کنیم.

بر طبق آیات ۱۱۷ سوره‌ی بقره، ۴۰ سوره‌ی نحل و ۸۲ سوره‌ی یس، میان اراده و فعل خداوند توانا هیچ فاصله‌ای وجود ندارد و اراده‌اش بی‌درنگ انجام می‌شود. بنابراین، اگر خدا به خلقت زمین در مدت دو روز اشاره می‌کند، تنها به این خاطر است که مدت زمان تغییر و تحوّل در زمین از بدو پیدایشش را نشان دهد؛

به عبارت دیگر، مراد از دو روز باید عمر کره زمین باشد تا با توانایی مطلق خداوند متعال سازگاری داشته باشد،

آیه‌ی ۱۰ به جمله‌ی **حَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ** در آیه‌ی ۹ معطوف شده است و منظور از چهار روز در آیه‌ی ۱۰ که در آن خوراکی‌ها اندازه‌گیری شده است، چهار فصل سال می باشد زیرا با توجه به عطف شدن آیه‌ی ۱۰ به آیه‌ی ۹، نتیجه می‌گیریم که تقدیر خوراکی‌ها در چهار روز (فصل)، در خلال همان دو روز خلقت زمین انجام گرفته است. در نتیجه این چهار روز از جنس دو روز خلقت زمین نیستند.

حرف ربط **ثُمَّ** که این آیه را به آیه‌ی قبل عطف می‌کند، در این آیه صرفاً بعدیت در خبر را می‌رساند، نه بعدیت در هستی پذیرفتن را زیرا آیات ۲۷ تا ۳۲ سوره‌ی نازعات نشان می‌دهد گسترش زمین بعد از بنای آسمان انجام گرفته است. آیات یاد شده بعد از گسترش زمین، به اخراج آب و چراگاه از زمین و ریشه‌دار کردن کوه‌هایش اشاره کرده و این عیناً همان مطلبی است که آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی فصلت بیان شده است، چون در این آیات قرار دادن کوه‌ها در زمین و برکت دادن به زمین و تقدیر ارزاق را با خلقت زمین یک جا بیان کرده و سپس خلقت آسمان را با کلمه‌ی **ثُمَّ** به آن عطف کرده است. ظهور جمله‌ی **”بعد ذلک“** در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نازعات روشن‌تر و قوی‌تر از ظهور کلمه‌ی **ثُمَّ** در بعدیت است.<sup>۱</sup> قبل از پرداختن به ادامه بحث بهتر است تا به معنای **سَمَاء** بپردازیم. این کلمه از ریشه‌ی **سَمَوَ** به معنای بلندی است و اصل آن از آرامی و سریانی و عبری گرفته شده است<sup>۲</sup> و به معنای بالا و برتر (فوق) است. آسمان هر چیزی، بالای آن چیز را گویند و حتی برخی از لغویین ادعا کرده‌اند که هر بالایی نسبت به پایین آن، آسمان و هر پایین نسبت به بالای آن، زمین است (مفردات راغب، ماده‌ی **سَمَوَ**). در قرآن نیز برای این واژه معانی گوناگونی اراده شده است که عبارتند از: فاصله‌ای در حدود ارتفاع یک درخت تا زمین (ابراهیم: ۲۴)، فاصله‌ی ابر تا زمین (بقره: ۱۹، مؤمنون: ۱۸)، باران (نوح: ۱۱، انعام: ۶)، و گاهی نیز تمامی معانی گفته شده یعنی هر آنچه در بالای زمین است را در بر می‌گیرد (آل عمران: ۵). البته گاهی نیز ممکن است اشاره به عالم بالا باشد (جن: ۸، نساء: ۱۵۳). با توجه به آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی نازعات در می‌یابیم که منظور از آسمان در این آیه، هر آنچه بالای زمین و خارج آن قرار دارد می‌باشد (کل جهان به جز زمین). این در حالی است که منظور از آسمان در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی فصلت، فضای بالا و نزدیک به زمین است که بدلیل مذاب بودن زمین در بدو پیدایشش، همانطور که در این آیه اشاره شده با دود (و بخارهای آتشفشانی ناشی از این مواد) احاطه شده بود. یافته‌های علمی اخیر نیز صحّت این امر را تأیید می‌کند.

از این گذشته حرف ربط **ثُمَّ** علاوه بر معنای سپس، به معنای باز، همچنین، و نیز می‌باشد و حتی در پاره‌ای موارد تنها به عنوان حرف ربط به کار می‌رود مانند حرف **”و“** که فقط ارتباط می‌دهد که در این

۱- همان، ص ۵۵۴.

۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۵، ص ۲۵۴.

حالت، فاقد معنی است و بر تقدّم و تأخّر دلالت نمی‌کند.<sup>۳</sup> از نظر علمی نیز، زمین جوانتر از آسمان است و ۴ مرحله بعد از پیدایش آسمان پدید آمده است و سپس هم زمین و هم آسمان دو روز دیگر را طی می‌کنند تا به زمان حال می‌رسیم. به دلایلی که بعداً ارائه می‌شود، احتمال زیاد می‌رود که هفت آسمان اشاره شده در آیه ۱۲ که از آسمان دودآلود مذکور در آیه ۱۱ پدید آمده اند همان هفت لایه‌ی جوّ زمین باشند. لذا، از آنجا که جوّ زمین با بودن زمین است که مفهوم می‌یابد، به این نتیجه می‌رسیم که دو روز خلقت زمین و دو روز خلقت هفت آسمان با توجه به پاسخ مثبت زمین و آسمان در آیه ۱۱، همزمان بوده و حرف ربط ثَمَّ به عنوان حرف عطف آمده است و بر ترتیب و تراخی زمانی دلالت نمی‌کند. همچنین می‌توان گفت که در آیه ۱۱ خداوند متعال، زمین و آسمان دودآلود اطراف آنرا مورد خطاب تکوینی خود قرار می‌دهد و هر دو به این فراخوان پاسخ مثبت می‌دهند ولی با این وجود در آیه بعد یعنی آیه ۱۲ خداوند تنها به خلقت هفت آسمان در مدّت دو روز اشاره کرده‌است. این امر نشان می‌دهد که خلقت زمین در دو روز و آنچه بر آن در این مدّت گذشته در آیات قبل آمده‌است و حرف ربط ثَمَّ به عنوان حرف عطف آمده تا آیه ۱۱ را به آیه ۱۰ معطوف کند. دانش نیز نشان می‌دهد که هفت لایه‌ی جوّ زمین از موادّ زمین و دود اولیه‌ی موجود در اطراف زمین ایجاد شده‌اند و این امر دلیل خطاب تکوینی خداوند متعال به زمین و آسمان را تأیید می‌کند. در نتیجه باز هم نتیجه می‌گیریم که حرف ربط ثَمَّ به عنوان حرف عطف آمده و بر ترتیب و تراخی زمانی دلالت نمی‌کند.

از آنجا که واو در عبارت **وَهِيَ دُخَانٌ** حالیه است، نتیجه می‌گیریم که در این آیه خداوند چگونگی وضعیّت بالای زمین (سماء) را که دودآلود بوده بیان نموده است؛ یعنی آسمان در آن زمان وجود داشته است. بنابراین و با توجه به واو حالیه، نتیجه می‌شود که آسمان طبق آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره‌ی نازعات در این زمان وجود داشته است.

دلیل اینکه زمین و آسمان در پاسخ مثبت به فراخوان الهی از کلمه‌ی طَائِعِينَ که مخصوص صاحبان عقل است استفاده نموده‌اند، با اینکه این دو دارای عقل نیستند، بدین جهت است که مقام، مقام خطاب و جواب است و این دو مقام، مخصوص دارندگان عقل است. دلیل اینکه خدای رحمن این کلمه را به صیغه‌ی جمع آورده، با اینکه جا داشت بگوید اَتَيْنَا طَائِعِينَ ما دو تن (مادینه) به طوع و رغبت آمدیم احتمالاً این است که خواسته‌است اظهار فروتنی آسمان و زمین را برساند که خود را از سایر مخلوقات خدا که آنها نیز مطیع و فرمانبردار امر اویند متمایز و جدا حساب نکنند و بدین جهت از صفت جمع استفاده نموده است. می‌توان وجه دیگری را برای استفاده از جمع مذکر سالم به جای مثنای مؤنث در عبارت اَتَيْنَا طَائِعِينَ قائل شد و آن این است که زمین (و هر چه در آن بوده) و آسمان و هرچه در آن بوده (دُخَان) به فراخوان الهی پاسخ مثبت داده‌اند و از آنجا که دُخَان در زبان عربی مذکر قلمداد می‌شود و تعداد اشیاء بیش از دو هستند، از

<sup>3</sup>[http://www.almaany.com/home.php?language=arabic&word=%D8%AB%D9%85%D9%91&cat\\_group=1&lang\\_name=%D8%B9%D8%B1%D8%A8%D9%8A&type\\_word=2&dspl=0](http://www.almaany.com/home.php?language=arabic&word=%D8%AB%D9%85%D9%91&cat_group=1&lang_name=%D8%B9%D8%B1%D8%A8%D9%8A&type_word=2&dspl=0)

جمع مذکر سالم استفاده شده است. منظور از جمله‌ی *إِثْبَاتًا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً* این نیست که آسمان و زمین موجود شوند زیرا: الف) با توجه به آیات ۹ و ۱۰ نتیجه می‌شود که وقتی به آیه‌ی ۱۱ می‌رسیم زمین قبلاً خلق شده است و نیازی به پذیرفتن هستی ندارد تا بار دیگر هست گردد، ب) بالای زمین (سماء) نیز که در اینجا با وجود زمین تعریف می‌شود نیز بنا بر آیات ۹ تا ۱۰ قبلاً خلق شده است و به همین دلیل است که خداوند تعالی در آیه‌ی ۱۱ می‌فرماید: «همچنین به آسمان (بالای زمین) پرداخت که به صورت دودی بود...». در نتیجه در آیه‌ی ۱۱ نیازی به پیدایش دوباره‌ی آسمان دیده نمی‌شود، و ج) دلیل خطاب الهی در آیه‌ی ۱۱ پدید آوردن زمین و آسمان نیست بلکه با توجه به آیه‌ی بعد، مشخص می‌شود که دلیل این خطاب به وجود آوردن هفت آسمان از زمین و آسمان دودآلود اطراف آن بوده است.

با توجه به آیه‌ی ۱۱ و جواب مثبت زمین و آسمان، به این نتیجه می‌رسیم که هفت لایه‌ی جو زمین از عناصر اولیه‌ی موجود در زمین و دود موجود در آسمان تشکیل شده است که این گفته با یافته‌های علمی اخیر دقیقاً تأیید می‌گردد. اینکه خدای تعالی فرمود در هر آسمان کار آنرا وحی نمود، به این صورت است که به هر لایه‌ی جو زمین وظائف خاصی را محوّل نموده است.

با نگاه سطحی به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نوح؛ یعنی، *أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا*، شاید برداشت شود که ماه و خورشید در هفت آسمان قرار دارند. اما لازم به ذکر است که فعل «*جَعَلَ*» در آیات یادشده از افعال تحویل (ملحق به افعال قلوب) به شمار می‌رود. بدین معنی که با پذیرش دو مفعول، معنایش به «گردانید، نمود، ساخت و از این قبیل» قلب می‌شود<sup>۴</sup>،<sup>۵</sup>. در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نوح مشاهده می‌شود که «*القمر*» مفعول اول و «*نورا*» مفعول دوم و نیز «*الشمس*» معطوف بر «*القمر*» در حکم مفعول اول و «*سراجاً*» مفعول دوم است. در نتیجه معنای آیات مذکور به این گونه است: آیا نمی‌بینید چگونه خدا هفت آسمان را طبقه-طبقه بیافرید؟ (۱۵) و ماه را روشنی آنها، و خورشید را چراغشان گردانید؟ (۱۶). از این آیات به نتایج زیر می‌رسیم: الف) هفت آسمان قابل رؤیت هستند و ب) ماه و خورشید در تمامی هفت آسمان نور افشانی می‌کنند و باعث روشنایی آنها می‌شوند (شکل‌های ۱ و ۲ را ببینید). ممکن است دلیل اینکه خدای تعالی می‌فرماید آسمان دنیا را با ستارگان (ستارگان ثابت، شهاب‌ها و سیارات) زینت بخشیدیم این باشد که آسمان دنیا همان محدوده خارج از جو زمین است که جایگاه ستارگان است. دلیل اینکه خداوند در بیان زینت بخشیدن آسمان دنیا به جای سوّم شخص مفرد غایب از اوّل شخص جمع استفاده می‌کند می‌تواند این باشد که الف) خلقت آسمان دنیا

۴- ابومعین حمیدالدین حجّت هاشمی خراسانی، فوائد الحجّتیّه شرح کتاب سیوطی، نشر حاذق-قم، ۱۳۷۰، صفحات ۸۳ و

۵- محمد محیی الدین عبدالحمید، شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک، جلد اوّل، انتشارات ناصر خسرو، طهران، جمادی



شکل ۱. خورشید آنگونه که در خارج و داخل جو زمین به نظر می‌رسد و روشن شدن جو زمین توسط خورشید.



(الف)



(ب)

شکل ۲. ساختار لایه‌ای جو زمین و انعکاس نور خورشید در آن؛ شکل الف) از ناسا<sup>۶</sup> و شکل ب) از مرجع<sup>۸</sup> گرفته شده است.

6 <http://www.eghlim1990.blogfa.com/post-31.aspx>

7 [http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers\\_air.htm](http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers_air.htm)

8 <http://www.weather-climate.org.uk/02.php>

و زینت بخشیدن آن بسیار بزرگ‌تر از خلقت زمین و جو آن است و ب) ستارگان قبل از خلقت زمین وجود داشته‌اند و این چرخش از سوّم شخص مفرد غایب به اوّل شخص جمع نشان می‌دهد که بین خلقت زمین به همراه جو آن و آسمان دنیا هم از نظر زمان و هم از نظر مکان تمایز وجود دارد و نباید آنها را با هم در آمیخت.

منظور از حفظ آسمان در آیه‌ی ۱۲، حفظ آن از شیاطین و فرو افتادن (حج: ۶۵) می باشد. هفت آسمان مورد اشاره در آیه‌ی ۱۲ مادی و جسمانی هستند زیرا: الف) آیات ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد که هفت آسمان، از زمین و آسمان دودآلود به وجود آمده‌اند. حال چگونه ممکن است که از ماده، چیزی غیرمادی و غیر جسمانی پدید آید؟ و ب) طبق آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نوح، این هفت آسمان با چشم قابل دیدن هستند در نتیجه باید مادی و جسمانی باشند. عکس‌برداری‌هایی که اخیراً با پیشرفت علم از جو زمین انجام شده، مرئی بودن آنها را تأیید می‌کند (شکل های ۱ و ۲ را ببینید). نظیر این هفت آسمان مادی، هفت آسمان ملکوتی که منزلگاه فرشتگان است وجود دارد که این نظر هم با فرمایشات امام علی (ع) در نهج البلاغه که ملکوت را نهفته در هفت آسمان می‌دانند، مطابقت دارد. در خطبه‌ی ۲۱۱ نهج البلاغه، امام علی (ع) می‌فرمایند که خداوند تعالی از طبقات زمین، هفت آسمان را پدید آورد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که هفت آسمان نیز باید طبیعتی مادی داشته باشند. جای دیگر و در خطبه‌ی ۱ امام علی (ع) می‌فرمایند که هفت آسمان از کف‌های آب دریاها بالا رفته است که دوباره مادی بودن هفت آسمان را تأیید می‌کند. منظور از آسمان‌های هفتگانه، سیارات آسمان و به ویژه بعضی از آنها از قبیل خورشید و ماه و غیر آن دو نیست.<sup>۹</sup>

بنابر آیات بالا و آنچه پیش‌تر گفته شد نتیجه می‌گیریم که عمر زمین و جو اطراف آن (هفت آسمان) دو روز است. این دو روز از نظر عقلی و علمی با هم یکی بوده و همزمان هستند. یعنی اینطور نبوده که خلقت زمین دو روز به طول انجامیده باشد و بعد از آن خلقت جو آن شروع شده باشد، بلکه زمین در دو روز به حالت کنونی آفریده شده و جو آن هم در طول همین دو روز از یک لایه‌ی دودآلود به هفت لایه‌ی مجزا و متفاوت تبدیل گشته است که یافته‌های قرن ۲۱م، هفت لایه‌ای بودن جو زمین را تأیید می‌کند. طبق شکل ۳، جو زمین بر اساس دمای آن به هفت لایه تقسیم می‌شود<sup>۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳</sup>. اسامی این لایه‌ها طبق شکل ۳ به ترتیب ارتفاع از سطح زمین عبارتند از: تروپوسفر، تروپوپاز، استراتوسفر، استراتوپاز، مزوسفر، مزوپاز، و

۹- سید محمد حسین طباطبایی، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، جلد ۱۷، چاپ پنجم، دفتر

انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، صص ۵۶۱.

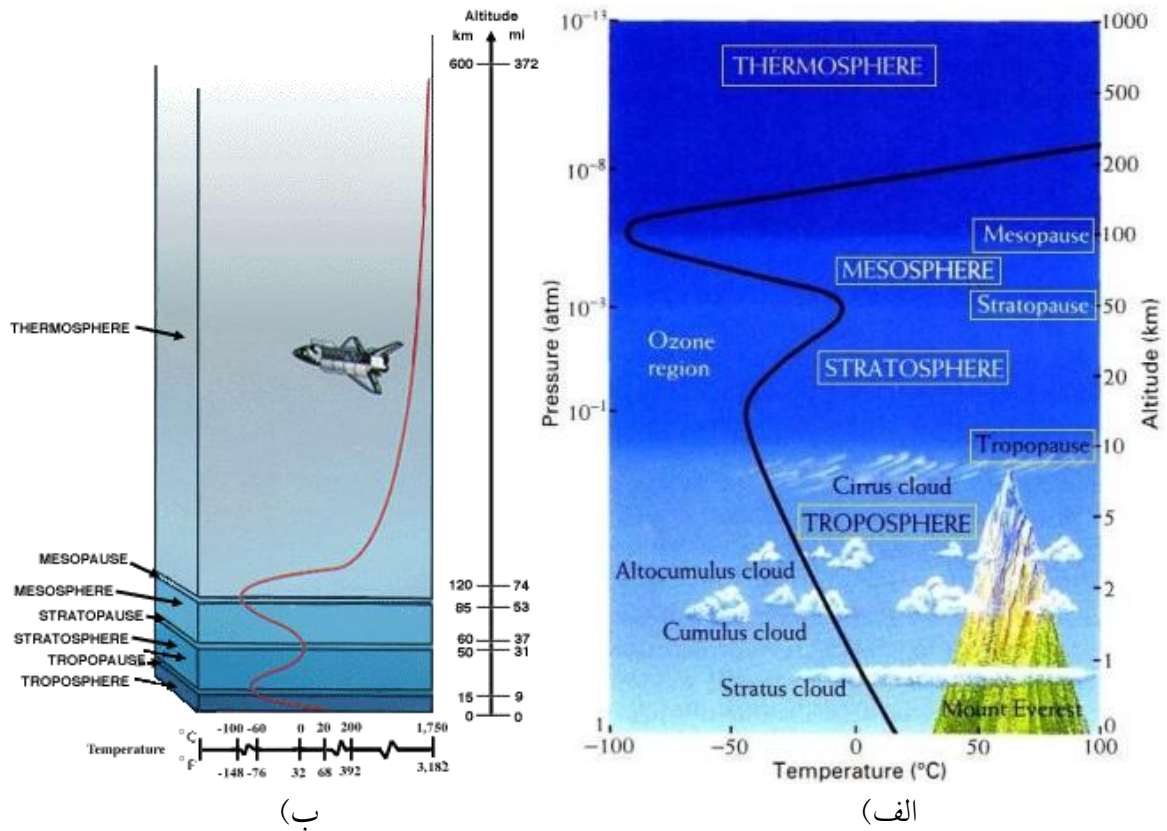
10 <http://dwb4.unl.edu/Chem/CHEM869J/CHEM869JLinks/liftoff.msfc.nasa.gov/academy/space/atmosphere.html>

11 [http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers\\_air.htm](http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers_air.htm)

12 <http://www.weather-climate.org.uk/02.php>

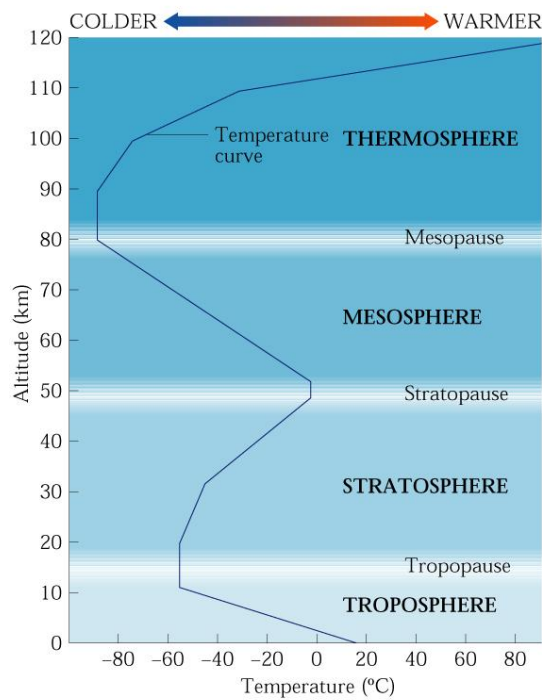
13 [http://astronomyonline.org/ViewImage.asp?Cate=Home&SubCate=Introduction&SubCate2=SS00&Img=%2FSolarSystem%2FImages%2FEarth\\_Moon%2FEarthAtmosphere%2Ejpg&Cpt=Layers+of+the+Atmosphere](http://astronomyonline.org/ViewImage.asp?Cate=Home&SubCate=Introduction&SubCate2=SS00&Img=%2FSolarSystem%2FImages%2FEarth_Moon%2FEarthAtmosphere%2Ejpg&Cpt=Layers+of+the+Atmosphere)





(ب)

(الف)



Copyright 1999 John Wiley and Sons, Inc. All rights reserved.

(ج)

شکل ۳. نحوه‌ی قرارگیری لایه‌های مختلف جوّ زمین الف) از مرجع<sup>۱۴</sup>، ب) از مرجع<sup>۱۵</sup>، و ج) از مرجع<sup>۱۶</sup> و<sup>۱۷</sup> گرفته شده است.

<sup>14</sup> <http://dwb4.unl.edu/Chem/CHEM869J/CHEM869JLinks/liftoff.msfc.nasa.gov/academy/space/atmosphere.html>

ترموسفر. ترموسفر شامل یونوسفر و اگسوسفر است که به تدریج در فضای میان ستاره‌ای ناپدید می‌شود. لازم به ذکر است که در بعضی از مراجع اگسوسفر نیز جزء لایه‌های جوّ شمرده شده است ولی باید گفت که اگسوسفر ناحیه‌ی خوش-تعریفی نیست و در آن یونها و مولکول‌های گازها از جاذبه‌ی زمین به فضای میان سیاره‌ای می‌گریزند. واژه‌ی “Exo” به معنای خارج است و در نتیجه “Exosphere” به معنای خارج از جوّ می‌باشد.<sup>۱۵</sup> طول زمانی دو روز خلقت زمین و جوّ آن با یافته‌های اخیر دانش،  $4.54 \pm 0.05$  میلیارد سال می‌باشد.<sup>۱۹، ۲۰، ۲۱</sup> از طرف دیگر، خداوند مهربان در هفت آیه‌ی دیگر که در زیر آورده شده‌اند، عمر کلّ جهان یعنی طول زمانی خلقت زمین، هفت آسمان (جوّ زمین) و آسمان دنیا (ستارگان و اجرام آسمانی دیگر) را شش روز بیان می‌فرماید. یعنی در ۴ روز اول بعد از پیدایش جهان، اثری از زمین نبوده‌است. بعد از به وجود آمدن زمین (پیدایش زمین)، خلقت در زمین ۲ روز طول کشیده و خلقت در جهان نیز دو روز دیگر ادامه یافته و ۶ روزه گشته است. هفت آیه‌ی زیر نشان می‌دهند که خلقت زمین و آسمان‌ها یعنی تمام هستی در ۶ دوره (روز) توسط خداوند متعال انجام شده‌است.

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۴:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾

۲. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۳:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾

۳. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۷:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾

<sup>15</sup> [http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers\\_air.htm](http://www.ic.ucsc.edu/~wxcheng/envs23/lecture5/layers_air.htm)

<sup>16</sup> <http://www.weather-climate.org.uk/02.php>

<sup>17</sup>

[http://astronomyonline.org/ViewImage.asp?Cate=Home&SubCate=Introduction&SubCate2=SS00&Img=%2FSolarSystem%2FImages%2FEarth\\_Moon%2FEarthAtmosphere%2Ejpg&Cpt=Layers+of+the+Atmosphere](http://astronomyonline.org/ViewImage.asp?Cate=Home&SubCate=Introduction&SubCate2=SS00&Img=%2FSolarSystem%2FImages%2FEarth_Moon%2FEarthAtmosphere%2Ejpg&Cpt=Layers+of+the+Atmosphere)

18 M. Gad, 2009, In search of God, pp.117-118, ISBN: 978-0-595-33644-9.

19 U.S. Geological Survey, 1997, “Age of the Earth,” Archived from the original on 23 December 2005. Retrieved 2006-01-10.

20 Dalrymple, G. Brent (2001). “The age of the Earth in the twentieth century: a problem (mostly) solved”. Special Publications, Geological Society of London, vol. 190, no. 1, pp. 205–221, doi:10.1144/GSL.SP.2001.190.01.14.

21 Manhessa, Gérard; Allègre, Claude J.; Dupréa, Bernard; and Hamelin, Bruno (1980). “Lead isotope study of basic-ultrabasic layered complexes: Speculations about the age of the earth and primitive mantle characteristics,” Earth and Planetary Science Letters, vol. 47, no. 3, pp. 370–382, doi:10.1016/0012-821X(80)90024-2.

۴. سورهی فرقان، آیهی ۵۹:

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَيْرًا ﴿٥٩﴾

۵. سورهی سجده، آیهی ۴:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا  
شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾

۶. سورهی ق، آیهی ۳۸:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾

۷. سورهی حدید، آیهی ۴:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ  
مِنهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

نکتهی بسیار جالب این است که در قرآن واژهی هفت آسمان نیز هفت مرتبه آمده است. با توجه به تمامی آیات یاد شده، به این نتیجه می‌رسیم که بین عمر زمین و عمر جهان نسبت ۲ به ۶ برقرار است. بنابراین با داشتن عمر کره‌ی زمین می‌توانیم با یک حساب سر انگشتی سن جهان را به دست آوریم:

۲ روز  $4.54 \pm 0.05$  میلیارد سال

۶ روز  $x=?$

با حل این جدول تناسب به عدد  $13.62 \pm 0.15$  میلیارد سال برای سن جهان می‌رسیم. جالب است بدانیم که در حال حاضر و با استفاده از طیف‌نگاری، سن جهان را  $13.75 \pm 0.11$  میلیارد سال برآورد کرده‌اند<sup>۲۲، ۲۳، ۲۴</sup>. مشاهده می‌شود که بازه‌های زمانی به دست آمده بر اساس قرآن و طیف‌نگاری در فاصله‌ی ۱۳.۶۴ تا ۱۳.۷۷ میلیارد سال با هم همپوشانی دارند. در اندازه‌گیری دیگری سن جهان  $13.772 \pm 0.059$  بیان شده است<sup>۲۵، ۲۶</sup>. در اینصورت، بازه‌های زمانی بدست آمده بر اساس قرآن و روش‌های نوین طیف‌نگاری در فاصله‌ی ۱۳.۷۱۳ تا ۱۳.۷۷ میلیارد سال همپوشانی دارند. خواننده می‌تواند با جستجوی *age of the earth* و *age of the universe* در جستجوگر گوگل سن زمین و جهان را مشاهده نماید. اینجاست که باید گفت: *وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹) فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)* (مرسلات: ۴۹ و ۵۰)

22 N. Jarosik et al (Feb. 2011), "Seven-year Wilkinson Microwave Anisotropy Probe (WMAP) Observations: Sky Maps, Systematic Errors, and Basic Results," The Astrophysical Journal Supplement Series, vol. 192, no. 2, pp. 1-15, doi:10.1088/0067-0049/192/2/14.

23 "Cosmic Microwave Background Radiation," History of Cosmology. British Broadcasting Co. UK. Retrieved 2011-03-09.

24 Chang, Kenneth (2008-03-09), "Gauging Age of Universe Becomes More Precise," The New York Times.

25 Bennett, C.L.; Larson, L.; Weiland, J.L.; Jarosk, N.; Hinshaw, N.; Odegard, N.; Smith, K.M.; Hill, R.S. et al. (December 20, 2012), "Nine-Year Wilkinson Microwave Anisotropy Probe (WMAP) Observations: Final Maps and Results," arXiv:1212.5225. Retrieved January 1, 2013.

26 [http://map.gsfc.nasa.gov/universe/uni\\_age.html](http://map.gsfc.nasa.gov/universe/uni_age.html)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹) [اگر به قرآن ایمان نمی آورند] پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟ (۵۰)

### ۳. پاسخ به شبهه‌ها:

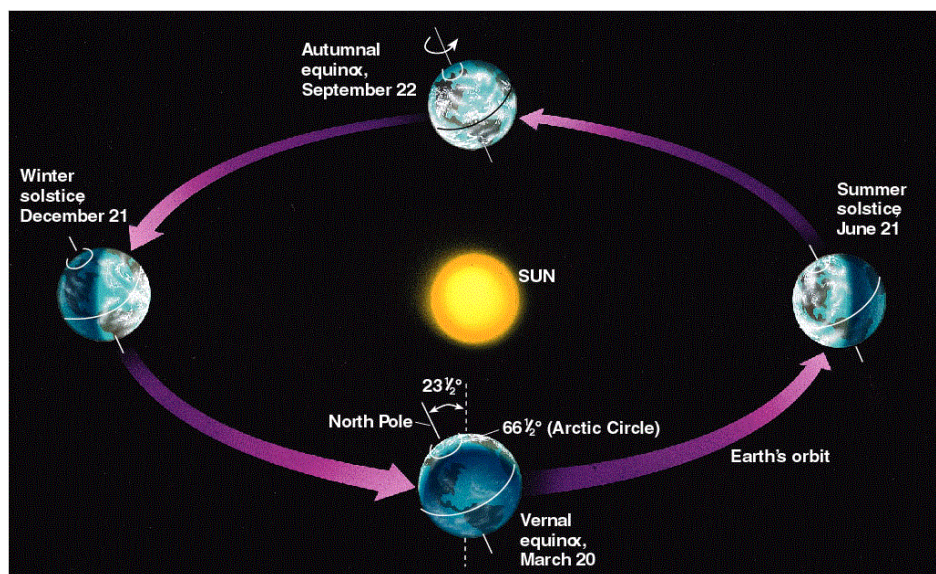
**شبهه‌ی ۱- گروهی اشکال وارد کرده و ۴ روز مورد اشاره در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی فصلت را ۴ روز خلقت در نظر می گیرند.**

در پاسخ باید گفت:

الف- در ابتدای آیه‌ی ۱۰ واو عطف وجود دارد و این آیه را به آیه‌ی قبلی عطف می نماید در نتیجه قرار دادن کوهها و ... را جزئی از خلقت و خلقت کره‌ی زمین دانسته است.

ب- در آیه‌ی ۱۰ هیچ حرفی از خلقت و خلقت زمین به میان نیامده است و فعل آفرید یعنی خَلَقَ و هیچ یک از مشتقات آن به چشم نمی خورد.

ج- قسمت آخر این آیه به چهار فصل سال اشاره می کند که در نتیجه‌ی انحراف محور چرخش وضعی زمین نسبت به خط عمود بر صفحه‌ی مداری زمین به دور خورشید به وجود می آید. با توج ه به شکل ۴، اگر این انحراف که زاویه‌ای ۲۳.۵ درجه می سازد از مقدار کنونی اش کوچکتر بود تغییرات فصلی کمتر می شد و در نهایت اگر زاویه‌ی مذکور صفر بود ما تنها یک روز (فصل) داشتیم و همواره طول شب با روز برابر می شد و همواره بهار یا پاییز بود و همیشه خورشید در ساعت خاصی از روز طلوع و ۱۲ ساعت بعد غروب می کرد.



شکل ۴. انحراف محور چرخش وضعی زمین از خط عمود بر صفحه‌ی مداری و نقش آن در پیدایش

فصلها

د- همه می‌دانیم که هر فصل میوه‌ها و خوراکی‌های ویژه‌ی خود را داراست و در هر فصل حیوانات خاصی را می‌توان شکار کرد. زیرا شکار حیوان باید بعد از طی فاصله‌ای از تولید مثل انجام شود تا بقای حیوان حفظ شود. لذا آیه‌ی ۱۰ به راستی به چهار فصل اشاره می‌کند نه به چهار روز خلقت. و بر اساس آیه‌ی ۱۰، انحراف ایجاد شده در محور زمین توسط خداوند یکی از بزرگترین برکتهای خداوند می‌باشد.

ه- با نگاهی دوباره به آیه‌ی ۱۰ متوجه می‌شویم که این چهار دوره فقط مربوط به خوراکی‌ها می‌باشد و خلقت کوهها و برکت دادن به زمین را در بر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، "قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ" قسمتی مستقل از آیه است و به قسمتهای قبلی آیه باز نمی‌گردد. این امر درستی دلیل قبلی را تأیید می‌کند.

**شبهه‌ی ۲-** گروهی حرف ربط **ثُمَّ** در ابتدای آیه‌ی ۱۱ را به معنای سپس ترجمه کرده‌اند و می‌گویند که دو روز خلقت هفت آسمان بعد از دو روز خلقت زمین بوده‌است.

در پاسخ باید گفت:

الف- حرف ربط مذکور علاوه بر معنای سپس، به معنای باز، همچنین، و نیز می‌باشد و حتی در پاره‌ای موارد تنها به عنوان حرف ربط به کار می‌رود مانند حرف "و" که فقط ارتباط می‌دهد، فاقد معنی است و بر تقدم و تاخر دلالت نمی‌کند.<sup>۲۷</sup>

ب- در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی فصلت، خداوند زمین و آسمان را برای خلقت هفت آسمان مورد خطاب قرار داده‌است ولی در آیه‌ی بعد تنها از چگونگی خلقت هفت آسمان و آسمان دنیا سخن می‌راند بدون اینکه از خلقت زمین سخنی به میان آورد. پس نتیجه می‌گیریم که چگونگی خلقت زمین پیش‌تر در آیات ۹ و ۱۰ بیان شده‌است و نیازی به تکرار مجدد آن نبوده‌است. از طرف دیگر، هفت آسمان از مواد و گازهای موجود در زمین آفریده شده‌اند و مخاطب قرار دادن زمین در آیه‌ی ۱۱ این گفته را تأیید می‌کند. پس در طول این مدت حداقل برای تأمین گازهای مورد نیاز برای خلقت هفت آسمان از بعضی از عناصر روی زمین، زمین دستخوش دگرگونی شده است و بر اساس آنچه پیش‌تر گذشت، هر گونه دگرگونی نوعی خلقت به شمار می‌رود. این حقیقت نشان می‌دهد که خلقت در زمین تازه متولد شده و محصور در دود به مدت دو روز بوده‌است و این دو روز با دو روز خلقت هفت آسمان همزمان بوده‌است. آیه‌ی ۱۱ این حقیقت علمی را تأیید می‌کند که زمین در آغاز پیدایشش، کره‌ای آتشین از مواد مذاب بوده‌است که از بالا (آسمان) با دود ناشی از این مواد مذاب احاطه شده بوده‌است. در نتیجه بر اساس آیه‌های ۱۱ و ۱۲، خداوند فرموده‌است که دود موجود در اطراف زمین را در طی دو روز و با کمک بعضی از عناصر روی زمین، به صورت هفت آسمان (لایه) در آورده‌است.

ج- این دلیل تقدیم عزیزانی می‌گردد که به حَقانیت قرآن اعتقاد دارند- با عقل جور در نمی‌آید که خدا زمین را طی دو روز بیافریند و بعد زمین و آسمان را فرا بخواند و در نهایت با وجود پاسخ مثبت زمین به فراخوان الهی مدت دو روز تنها به خلقت جوّ زمین بپردازد. این امر از یک طرف با توانایی مطلق خداوند در خلقت همزمان زمین و هفت آسمان تناقض دارد و از طرف دیگر حکمت خدا در فراخواندن زمین را زیر سؤال می‌برد. جالب آنجاست که در صورتی که بپذیریم خلقت زمین مقدم بر خلقت جوّ هفت لایه‌ای آن بوده‌است باید این نکته را قبول کنیم که بعد از گذشت دو روز از خلقت هفت آسمان که با دود اولیّهی موادّ مذاب و موادّ موجود در روی زمین آفریده شده‌اند زمینی که در طول این مدت دستخوش تغییر و خلقت قرار گرفته کماکان طبق آیة ۹ همان سنّ اولیّهی دو روز را دارد.

**شبهه‌ی ۳-** گروهی دو شبهه‌ی بالا را با هم ترکیب کرده و می‌گویند که طبق این آیات خلقت زمین و جوّ هفت لایه‌ای آن، ۸ روز به طول انجامیده‌است که این سخن با هفت آیة قرآن که طول خلقت کل جهان را ۶ روز اعلام کرده‌است، تناقض دارد.

در پاسخ باید گفت:

الف- بنا به دلایل موجود در پاسخ به شبهه‌ی اول، منظور از چهار روز در آیة ۱۰ چهار فصل سال است نه چهار روز خلقت بنابراین از عدد ۸ روز به عدد ۴ روز می‌رسیم.

ب- بنا به دلایل موجود در پاسخ به شبهه‌ی ۲، دو روز خلقت آسمان از یک لایه به هفت لایه با دو روز خلقت زمین همزمان بوده‌است و در نتیجه از عدد ۴ روز به عدد ۲ روز می‌رسیم.

ج- در آیة ۱۲ به طول زمانی خلقت آسمان بیرون از جوّ زمین (ستارگان) اشاره‌ای نشده و تنها به اینکه خداوند ستارگان را زینت آسمان پایین‌تر (دنیا) قرار داده‌است، اشاره شده‌است. بنابراین خلقت آسمان (ستارگان) عیناً با خلقت دو روزه‌ی جوّ هفت لایه‌ای زمین قابل جمع نیست. از دلایل فوق نتیجه می‌گیریم که آیات یادشده از سوره‌ی فصلت تنها به طول خلقت زمین و جوّ هفت لایه‌ای آن و انحراف محور زمین دلالت می‌کنند که به طور همزمان به اندازه‌ی ۲ روز به طول انجامیده‌است. در انتهای آیة ۱۲ نیز تنها به زینت داده شدن آسمان پایین‌تر (دنیا) توسط ستارگان اشاره شده‌است. آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره‌ی نازعات نشان می‌دهند که آسمان خارج از جوّ زمین (ستارگان) قبل از بوجود آمدن زمین بنا شده‌است که دانش نیز این امر را کاملاً تأیید می‌کند.

**شبهه‌ی ۴-** بعضی بر خلاف ترجمه‌های موجود، کلمه‌ی "دنیا" را در آیة ۱۲ به معنای پایین‌تر ترجمه کرده و می‌گویند که خداوند ستارگان را زینت لایه‌ی پایینی جوّ (پایین‌ترین آسمان) قرار داده‌است که این گفته با توجه به دانش روز پذیرفتنی نیست.

در پاسخ باید گفت:

الف- با مراجعه به آیة یاد شده ملاحظه می‌شود که خداوند بین آسمان دنیا با هفت آسمان تمایز قائل شده‌است زیرا تا زمانی که از آفرینش زمین و جوّ آن سخن می‌گوید از سوّم شخص غایب (او) استفاده



می‌کند ولی برای اشاره به آسمان دنیا از اوّل شخصی جمع (ما) استفاده می‌کند که این ضمیر "ما" به ضمیر کبریایی معروف است. استفاده از ضمیر کبریایی "ما" به جای سوّم شخص غایب نشان می‌دهد که از دیدگاه انسان آیین بستن آسمان به وسیله‌ی آفرینش ستارگان بسی بزرگ‌تر و شگفت‌انگیزتر از آفرینش زمین و جوّ آن است. بنابراین نشانه‌ای از ارتباط بین آسمان دنیا و هفت آسمان دیده نمی‌شود. اگر اینچنین بود باید آیه بدین شکل می‌بود "و پایین‌ترین آن آسمان‌ها را" یا "و پایین‌ترین شان را" که اینگونه نیست و هیچ ضمیری وجود ندارد که نشان دهد آسمان دنیا یکی از ۷ آسمان یاد شده و پایین‌ترین آنهاست.

ب- با توجه به روند ظهور آیات مشاهده می‌کنیم که خداوند در آیه‌ی ۹ از زمین شروع فرموده، سپس به ۷ لایه‌ی جوّ زمین اشاره می‌کند و سپس توجه ما را به آسمان پرستاره‌ی دنیا معطوف می‌نماید. به بیان دیگر، خداوند از جایی که انسان زندگی می‌کند یعنی کره‌ی زمین شروع فرموده و کم‌کم از آن فاصله گرفته و در نهایت به آسمان بیکران و پرستاره‌ی دنیا اشاره می‌فرماید که روند منطقی و قابل قبولی به نظر می‌رسد. ج- در ۷ آیه‌ی قرآن که به آفرینش جهان اشاره دارد خداوند از آسمان‌ها یاد کرده‌است و نه هفت آسمان. علاوه بر این، در قرآن تنها دو صفت برای آسمان آمده‌است یکی هفت آسمان و دیگری آسمان دنیا. بنابراین نتیجه می‌گیریم که هفت آسمان زیر مجموعه‌ای از آسمان‌ها است و نه تمامی آنها و تمایز آسمان‌ها با هفت آسمان، همان آسمان دنیاست که غیر از هفت آسمان و مجزاً از آنهاست. اگر آسمان دنیا زیر مجموعه‌ی هفت آسمان فرض شود، در این صورت در ۷ جای قرآن به آفرینش تمامی آسمان‌ها اشاره شده و استثنائاً در سوره‌ی فصلت تنها به آفرینش ۷ آسمان اشاره شده‌است که این امر محتمل به نظر نمی‌رسد.

**شبهه‌ی ۵-** گروهی می‌گویند که آیه‌ی مذکور مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش بوده و الان نسبت یادشده بر قرار نیست.

در پاسخ باید گفت:

۱۴۰۰ سال در مقایسه با ۴،۵۴۰،۰۰۰،۰۰۰ بسیار ناچیز و قابل صرف‌نظر کردن است و مبنای اندازه‌گیری زمان نزول قرآن می‌باشد و در آن زمان، بین عمر زمین و عمر جهان نسبت ۱ به ۳ برقرار بوده‌است. لذا مثلاً اگر n میلیارد سال از بعثت پیامبر (ص) بگذرد در آن هنگام برای محاسبه‌ی عمر جهان از روی عمر زمین توسط قرآن باید ابتدا عدد n را از عمر محاسبه شده برای زمین بر حسب میلیارد سال کم نموده و حاصل را در عدد ۳ ضرب نموده و نتیجه را دوباره با عدد n جمع نمایند. در نتیجه آیات قرآن در این زمینه در همه زمانها درست خواهد بود.

**شبهه‌ی ۶-** گروهی به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نوح اشاره کرده و می‌گویند که طبق این دو آیه، از نظر قرآن، ماه و خورشید در جوّ زمین قرار دارند که این امر پذیرفتنی نیست. آیات یاد شده با ترجمه‌ی آن در زیر ملاحظه می‌گردد:

الَّذِينَ يَدْعُونَ لِلَّهِ غَيْرَ مُتَّبِعِينَ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِي سُدْحٍ مُّؤْتَمِرٍ لِّعِبَادِهِ لَعَلَّ هُمْ يَرْجَعُونَ ﴿١٦﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِي سُدْحٍ مُّؤْتَمِرٍ لِّعِبَادِهِ لَعَلَّ هُمْ يَرْجَعُونَ ﴿١٥﴾

ترجمه:

آیا نمی‌بینید چگونه خدا هفت آسمان را طبقه-طبقه بیافرید؟ (۱۵) و ماه را روشنی آنها، و خورشید را چراغشان گردانید؟ (۱۶)  
در پاسخ باید گفت:

الف- فعل "جَعَلَ" در آیات یادشده از افعال تحویل (ملحق به افعال قلوب) به شمار می‌رود. بدین معنی که با پذیرش دو مفعول، معنایش به "گردانید" قلب می‌شود<sup>۲۸، ۲۹</sup>. در آیات بالا مشاهده می‌شود که "القمر" مفعول اول و "نوراً" مفعول دوم و نیز "الشمس" معطوف بر "القمر" در حکم مفعول اول و "سراجاً" مفعول دوم است.

ب- در آیه ۱۶ سوره نوح خداوند، ماه و خورشید را به ترتیب روشنی و چراغ هفت آسمان گردانیده است و این به هیچ وجه نشان دهنده وجود فیزیکی ماه و خورشید در هفت آسمان نمی‌باشد. آیه یادشده بدین معنی است که خورشید و ماه در خارج از جو زمین به هیچ وجه پهنه‌ی آسمان را روشن نمی‌کنند و آسمان حتی در اطراف ماه و خورشید کاملاً سیاه و تاریک است (شکل ۱)؛ زیرا هیچ مولکولی در فضای خارج از جو وجود ندارد که پرتو خورشید را منعکس کند. شکل ۲ نشان می‌دهد که خداوند چگونه جو زمین را طبقه-طبقه آفریده و خورشید را مایه‌ی روشنائی آن قرار داده است. بار دیگر در شکل ۲ مشاهده می‌شود که با وجود طلوع خورشید آسمان خارج جو تاریک و سیاه است.

**شبهه‌ی ۷-** گروهی می‌گویند که منظور از آسمان‌های هفتگانه تنها مراتب ملکوتی است که پایین‌ترین آنها که قابل رؤیت و مشاهده برای ماست آسمان دنیاست.  
در پاسخ باید گفت:

بر اساس آیه ۱۵ سوره نوح، آسمان‌های هفتگانه توسط بشر قابل رؤیت هستند (شکل‌های ۲ و ۳ را ببینید) و طبق فرمایش امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه، ملکوت در درون آنها نهفته است. در خطبه‌ی ۲۱۱ نهج البلاغه امام علی (ع) می‌فرماید که خداوند از طبقات زمین هفت آسمان را پدید آورد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که هفت آسمان نیز باید طبیعتی مادی داشته باشند. جای دیگر و در خطبه‌ی ۱، امام علی (ع) می‌فرماید که هفت آسمان از کف‌های آب دریاها بالا رفته است که دوباره مادی بودن هفت آسمان را تایید می‌کند.

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ۝۱۵

سوره نوح، آیه ۱۵

ترجمه: آیا ندیدید چگونه خداوند هفت آسمان را طبقه-طبقه آفرید؟ (۱۵)

۲۸- فوائد الحجیة شرح کتاب سیوطی، ابومعین حمیدالدین حجت هاشمی خراسانی، نشر حاذق-قم، ۱۳۷۰، ص ۸۳ و ۸۴

۲۹- شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک، جلد اول، محمد محیی الدین عبدالحمید، انتشارات ناصر خسرو، طهران، جمادی

الاولی ۱۳۸۴ ه.ق، صفحه ۴۲۸.



**شبهه‌ی ۸-** گروهی بیان کرده‌اند که عدد ۷ از دیر باز عدد مقدّسی محسوب می‌شده و مردم کهن از دیر باز به هفت آسمان اعتقاد داشتند و پیامبر (ص) با استفاده از نظر آنان واژه‌ی هفت آسمان را در قرآن بکار برده‌اند.

در پاسخ باید گفت:

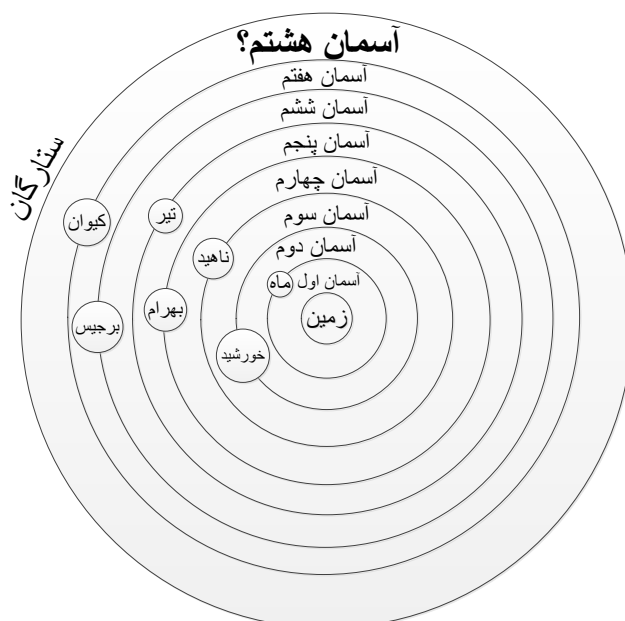
الف- عدد ۷ تعداد درهای جهنم می‌باشد.

ب- در صورت درستی گفته‌ی شبهه افکن، باید گفت که واژه‌ی هفت آسمان ممکن است از ادیان آسمانی پیشین گرفته شده باشد که منشأ اصلی تمامی آنها خداوند قادر متعال است که بر تمامی جنبه‌های آفریده‌های خود آگاهی کامل دارد.

**شبهه‌ی ۹-** گروهی بیان کرده‌اند که چون تا آن زمان ۷ جرم آسمانی یعنی خورشید، ماه، تیر، ناهید، بهرام، برجیس و کیوان بسیار پرنور بودند و سایر کرات آسمانی با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نبودند، در زمان قدیم بر طبق هیئت بطلمیوس زمین مرکز جهان بود و این ۷ جرم آسمانی به دور آن می‌گشتند. در نتیجه مردم از دیر باز به هر کدام از آنها یک آسمان نسبت داده بودند و پیامبر (ص) با استفاده از نظر آنان واژه‌ی هفت آسمان را در قرآن گنجانده‌اند.

در پاسخ باید گفت:

الف- بر فرض محال در صورت صحت شبهه‌ی مذکور چرا سایر ستارگان دور دست در محاسبه وارد نشده‌اند. این همه ستاره‌های زیبا و ریز و درشت که با چشم غیر مسلح قابل مشاهده هستند حداقل لایق یک آسمان نیستند؟ این در حالی است که خود بطلمیوس برای این ستارگان مدار خاصی قائل شده‌است. در این صورت، بر طبق شکل ۵ به ۸ آسمان خواهیم رسید.



شکل ۵. آسمان‌های گوناگون در هیئت بطلمیوسی مورد نظر شبهه افکن.

ب- آسمان به فاصله‌ی بین دو جسم فضایی گفته می‌شود نه خود جسم فضایی، مثلاً می‌گوییم آسمان بین زمین و مریخ.

ج- در قرآن صفت طبقه-طبقه (طباقاً) دو بار برای هفت آسمان بکار رفته‌است. هفت آسمانی که شبهه‌افکن بیان کرده‌است به صورت ضعیف طبقه-طبقه هستند زیرا بر فرض درستی مدل بطلمیوسی، نسبت به زمین تقریباً در یک صفحه قرار می‌گیرند و مسیر حرکت آنها دایره تولید می‌کند و مانند لایه‌های جو زمین کروی و طبقه-طبقه نیستند. علاوه بر این آسمان‌های اشاره شده توسط شبهه‌افکن بر خلاف نظر قرآن (آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی نوح) قابل رؤیت نیستند و توسط نور ماه و خورشید روشن نمی‌شوند زیرا خلاً هیچ انعکاسی ایجاد نمی‌کند. دلیل دیگر این است که در قرآن موقعیت آسمان‌های هفتگانه بر فراز سر انسان‌ها بیان شده است (مؤمنون: ۱۷ نبأ: ۱۲). آسمان‌های مورد اشاره توسط شبهه‌افکن بعضی وقتها بالای سرمان نیستند. مثلاً آسمان سیاره‌ی تیر همیشه نزدیک خورشید در هنگام طلوع و غروب خورشید قابل مشاهده است و چون در این حالت نزدیک به افق است روبروی بیننده قرار می‌گیرد نه بالای سرش. بر خلاف این، آسمان‌های هفتگانه در هر جای کره‌ی زمین و در هر زمانی بر فراز سر بیننده قرار دارند. نکته جالب این است که خداوند در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی مؤمنون، از آسمان‌های هفتگانه با عنوان راه‌های هفتگانه یاد می‌کند و این حقیقت دارد زیرا مثلاً ابرها در پایین‌ترین لایه؛ یعنی تروپوسفر، رفت و آمد می‌کنند و ماهواره‌ها در بالاترین لایه؛ یعنی ترموسفر، به دور زمین می‌گردند.

د- حتی اگر ستارگان را در نظر بگیریم و خود اجرام آسمانی را آسمان بنامیم طبق شکل ۵ به عدد ۸ برای آسمان‌ها می‌رسیم نه عدد ۷.

**شبهه‌ی ۱۰-** فضانوردی که از جو زمین گذشته باشد، دیگر جو زمین را بالای سرش مشاهده نمی‌کند و در این مورد سخن قرآن درست نمی‌باشد.

الف- قرآن برای عموم مردم نازل شده است و عموم مردم روی زمین زندگی می‌کنند.

ب- با توجه به این نکته که در قرآن صفت طبقه-طبقه تنها برای هفت آسمان بکار رفته‌است نتیجه می‌گیریم که آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی انشقاق نیز به هفت آسمان اشاره دارد. در این صورت این آیه به زمانی اشاره می‌کند که انسان از جو زمین لایه به لایه بالا می‌رود و در نهایت از آن خارج می‌شود و این یکی از معجزات بیشمار قرآن است که به این امر قسم یاد کرده‌است. آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی رحمن نیز به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان و جن روزی به کرانه‌های آسمان‌ها و زمین رخنه می‌کنند. ترجمه‌ی آیات در زیر آورده شده است:

هر آینه قطعاً از طبقه‌ای بر طبقه‌ی دیگر سوار می‌شوید. (انشقاق: ۱۹)

ای گروه پریان و آدمیان! اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی نمی‌توانید نفوذ کنید مگر با نیرویی (فوق العاده). (رحمن: ۳۳)

**شبهه‌ی ۱۱-** گروهی بیان داشته‌اند که آیات قرآن تمثیلی است و مثلاً وقتی خداوند می‌فرماید آدم (ع) را با دو دست خویش از گل آفریدم منظور واقعاً دست نیست و نباید از تمثیلات قرآنی برداشت علمی انجام شود.

در پاسخ باید گفت:

از آنجا که طبق فرمایش ائمه (که درود خدا بر آنان باد) بعضی از قسمت‌های قرآن تفسیر کننده‌ی بعضی دیگر هستند از قرآن برای پاسخ به شبهه‌ی بالا استفاده می‌کنیم. در جایی از قرآن آمده‌است که هنگامی که حضرت موسی (که درود خدا بر او باد) از خداوند تعالی خواست تا خود را به او بنمایاند، خداوند به ایشان فرمود: هرگز مرا نخواهی دید. خداوند در جایی دیگر از قرآن خود را اینگونه توصیف می‌کند: چشم‌ها او را درک نمی‌کنند (نمی‌بینند) ولی او چشم‌ها را درک می‌کند (می‌بیند). از این دو آیه نتیجه می‌گیریم که خدا به هیچ وجه دیده نمی‌شود که دست داشته باشد. طبق سوره‌ی توحید، خدای متعال بی‌نیاز مطلق است؛ پس نیاز به دست ندارد. ولی طبق فرمایش امام باقر (ع) خدا با دو دستش حضرت آدم (ع) را آفرید (ص: ۷۵) و هر دو دست او راست هستند. با استفاده از خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه نام دست‌های مبارکش که عین ذاتش هستند و آن دو را برای خود انتخاب کرده و از دیگران باز داشته‌است، اینگونه است: عزت الله و کبریاء الله. به این دلیل هر دو دست، راست هستند که هر دو در نهایت اندازه و کمال خود قرار دارند و نمی‌توان گفت که کدام صفت ضعیفتر است تا به آن دست چپ اطلاق شود. همچنین می‌توان گفت که منظور خداوند از خلقت حضرت آدم (ع) با دو دست خویش، خلقتی کاملاً مستقیم و بدون واسطه می‌باشد.

از طرف دیگر، همانطور که از معنای آیه‌ی ۹ سوره‌ی فصلت پیداست خلقت زمین در دو روز یکی از دلایلی است که خداوند برای جلوگیری از کفر انسان‌ها بر شمرده‌است و ما می‌دانیم که کلمه به کلمه‌ی قرآن بر اساس اراده‌ی خدای تعالی گرد هم جمع شده‌اند و نحوه‌ی چینش تک تک آنها حجت به شمار می‌روند. همینطور هست وقتی خداوند در ۷ آیه‌ی دیگر از خلقت جهان در ۶ روز یاد می‌فرماید. مگر اینکه قبول کنیم ۲ روز و ۶ روز خلقت زمین و جهان در قرآن بی‌هدف آورده شده‌است که این نظر با علم و حکمت خدا تناقض دارد.

چون در قرآن واژه‌ی روز به معنای یک روز، ۱۰۰۰ سال (حج: ۴۷، سجده: ۵) و ۵۰۰۰۰ سال (معارج: ۴) آمده پس می‌تواند معادل طول زمانی دیگری هم باشد. مهم آن است که در زمان پیامبر (ص) بین سنّ زمین و سنّ جهان نسبت ۱ به ۳ برقرار بوده‌است و در این نسبت نیازی به این نداریم که بدانیم طول این روزها چند میلیارد سال بوده‌است و فقط به عمر زمین در هنگام نزول آیه نیاز داریم.

**شبهه‌ی ۱۲-** چرا خداوند عمر زمین و جهان را به صورت نسبی بیان کرده و عمر واقعی آنها را مطرح

نفرموده‌است؟

در پاسخ باید گفت:

الف- قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است و هدف اصلی آن رشد و تعالی انسان می‌باشد. اشاره‌ی کلی به نکات علمی در قرآن، تنها جهت پند دادن به انسان و بیدار کردن وجدان خفته‌ی او انجام شده است. ب- متأسفانه مردم عصر پیامبر اسلام (ص) از رشد علمی مناسبی برخوردار نبوده‌اند تا از این شهر علم و گنجینه‌ی دانش بهره‌مند گردند. در صدر اسلام در کلّ شبه جزیره‌ی عربستان، افرادی که خواندن و نوشتن بلد بودند تنها ۱۷ نفر بودند. لذا صحبت کردن از چند میلیارد سال برای آنها مفهومی نداشت و آنرا درک نمی‌کردند. لذا بزرگترین عددی که در قرآن آمده صد هزار می‌باشد.

ج- بر پایه‌ی فرضیه‌ی نسبیّت اینشتین، ناظرانی که با سرعت‌های خیلی زیاد و قابل مقایسه با سرعت نور حرکت می‌کنند، در اندازه‌گیری طول زمانی یک رخداد واحد به نتایج متفاوتی دست می‌یابند ولی برای همگی آنها نسبت بین طول زمانی دو رخداد کاملاً یکسان است<sup>۳</sup>. لذا برای تمامی ناظران آیات قرآن در مورد نسبت بین طول زمانی خلقت کره‌ی زمین به همراه جوّ آن و طول زمانی خلقت جهان درست خواهد بود.

احتمال زیادی داده می‌شود که اگر دلایل بند الف و ب هم وجود نداشت و قرآن سنّ واقعی زمین را می‌گفت، قرآن ستیزان این بار حرف خود را کاملاً عوض کرده و این شبهه را وارد می‌کردند که مقادیر بیان شده درباره‌ی سنّ زمین و جهان تنها از دید ناظر زمینی درست است و اگر ناظری با سرعت زیاد حرکت کند سنّ زمین و جهان را به مراتب کمتر از مقادیر عنوان شده در قرآن اندازه‌گیری می‌کند.

**شبهه‌ی ۱۳-** خداوند در آیات ۱۱۷ سوره‌ی بقره، ۴۰ سوره‌ی نحل و ۸۲ سوره‌ی یس می‌فرماید که میان اراده و فعلش هیچ فاصله‌ای وجود ندارد و اراده‌اش بی‌درنگ انجام می‌شود؛ حال چگونه است که خلقت زمین و جهان به ترتیب در ۲ دوره و ۶ دوره انجام شده است؟  
در پاسخ باید گفت:

الف- خلقت هم به معنای پدیدآوردن و هم به معنای تغییر دادن ماهیت موجودات می‌باشد. بنابراین، نباید خلقت را فقط به معنای پدیدآوردن ترجمه کرد. در نتیجه می‌توان گفت که منظور از طول خلقت زمین و جهان به ترتیب طول زمانی تغییر و تحول در زمین و جهان از بدو پیدایش آنها تا زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که همان سنّ زمین و سنّ جهان می‌باشد و نه مدّت زمان پدید آمدن آنها. ناگفته پیداست که هر موجود مادی به لحاظ مادی بودنش سنّ خاصّ خود را داشته و به مرور زمان فرسوده می‌شود و در نتیجه به ناچار هر روز نسبت به روز قبل عمرش بیشتر شده و پیرتر می‌گردد.

ب- این جهان به خاطر مادی بودنش در بُعد زمان و مکان محدود است و در نتیجه تغییر دادن آن بدون گذر زمان امری ناممکن است. لازم به ذکر است که قدرت و توانایی خداوند بیکران است و این موجودات مادی از قبیل زمین و جهان هستند که به دلیل مادی بودنشان ظرفیّتی محدود دارند و هر گونه تغییر و

30 Max Born, Einstein's Theory of Relativity, New York: Dover Publication, 1965.

دگرگونی در آنها نیاز به گذشت زمان دارد. برای مثال فرض کنید که فردی تمام ثروت دنیا را در اختیار داشته باشد و از یک شرکت پیمانکار بخواهد تا برایش ساختمانی بسیار مجلل و بسیار مقاوم در عرض ۶ ماه بسازد. حال فرض کنید که شخص مذکور تغییر عقیده دهد و از پیمانکار بخواهد تا ساختمان یادشده را تنها در عرض ۱ ثانیه بسازد و در مقابل هر قدر پول که پیمانکار بخواهد را نیز بی درنگ به او بدهد. در این حالت پیمانکار سریعاً غیر ممکن بودن این کار را گزارش می‌دهد. ناگفته پیداست که محدودیت مذکور از جانب تجهیزات و مصالح دیکته می‌شود در حالی که قدرت مالی صاحب ساختمان بسیار زیاد و نامحدود است. محدودیت مذکور بدین خاطر است که تجهیزات برای حرکت، نیاز به گذشت زمان داشته و تولید مصالح، سفت شدن و خشک شدن آن هم نیاز به زمان دارد.

**شبهه‌ی ۱۴-** گروهی بیان کرده‌اند که قرآن کتاب علمی نیست بلکه کتاب هدایت و انسان‌سازی است و استفاده علمی از آن باعث کاهش ارزش معنوی آن می‌شود. در پاسخ باید گفت:

در اینکه قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است هیچ شکی وجود ندارد ولی قرآن نوری است که هرکس به فراخور آمادگی و آشنایی‌اش از آن بهره می‌گیرد و در خود قرآن هم آیاتی مبنی بر اینکه قرآن همه چیز را بیان کرده است به چشم می‌خورد و نمی‌توان علم را از همه چیز جدا کرد. هر کس نیاز دارد تا چیزهایی شگفت‌انگیز در قرآن مشاهده کند تا در این شرایط سخت که این کتاب آسمانی مورد تهدیدهای زیادی قرار گرفته است به آسمانی بودن آن اعتقاد راسخ یابد و احکامی را هم که فعلاً با عقل محدود خود قادر به درک آن نیست با صمیم قلب بپذیرد (آل عمران، ۷). تاکنون دانشمندان علوم مختلف، پس از سال‌ها تلاش و کوشش، به نتایجی دست یافته‌اند که بسیار پیش‌تر در قرآن بیان شده است. اگر این نکات به گوش اهل آن برسد، به حقایق قرآن با قلب خویش گواهی خواهند داد و اگر تعصب نداشته باشند مسلمان خواهند شد یا حداقل از صف دشمنان اسلام فاصله می‌گیرند.

#### ۴. نتیجه‌گیری:

در این مقاله نشان داده شد که بر خلاف تفسیر المیزان یکی از مصادیق واژه‌ی هفت آسمان در قرآن مجید می‌تواند جو زمین باشد. طبق آیات یادشده، عمر زمین یک سوّم عمر جهان است که این یافته‌ی مقاله با اندازه‌گیری‌های موجود و دانش محدود بشر در قرن بیست و یکم انطباق دارد و با نظریه‌ی نسبیت اینشتین هم سازگار است. با توجه به معانی دیگر واژه‌ی عربی "ثُمَّ" و همراستا با تفسیر المیزان به این نتیجه می‌رسیم که در برخی از آیه‌های قرآن این کلمه لزوماً بر ترتیب، تقدّم و تأخر دلالت نمی‌کند و نباید همواره به معنای سپس ترجمه گردد. علاوه بر این، در این مقاله به تمامی شبهه‌های مطرح شده در مورد آیات ۹ تا ۱۲ سوره‌ی فصلت که در حال حاضر در فضای اینترنت وجود دارد پاسخ داده شد.